

سکه های ایران

دوره ایلخانان مغول



بهرام علاء الدینی

سکه های ایران

دورهٔ الیخانان مغول



بهرام علاء الدینی

انتشارات
برگ نگار



سرشناسه	: علاءالدینی، بهرام، ۱۳۱۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: سکه‌های ایران: دوره ایلخانان مغول / بهرام علاءالدینی؛
مشخصات نشر	: ویراستار پویا علاءالدینی.
مشخصات ظاهری	: تهران: برگ‌نگار، ۱۳۹۵.
شابک	: ۶۳۲ ص.: مصور.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۵۲-۶۲-۸
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۶۲۸.
موضوع	: سکه‌های ایرانی - تاریخ؛ Coins, Iranian - History
	: سکه‌های باستانی - ایران؛ Coins, Ancient - Iran
	: سکه‌شناسی - ایران؛ Numismatics - Iran
	: ایران - تاریخ - مغول و ایلخانان، ۶۱۶ - ۷۵۶ ق.
موضوع	: Iran - History - Mongols and Khanids, 1258 - 1355
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ س ۸ ص ۷۸ ع / CJ۳۷۶۴
رده بندی دیویی	: ۷۳۷/۴۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۶۲۳۲۹

انتشارات
برگ‌نگار

سکه‌های ایران - دوره ایلخانان مغول

بهرام علاءالدینی

- ویراستار: دکتر پویا علاءالدینی
- صفحه‌آرایی و طراحی جلد: محمد نجفی‌زاده
- لیتوگرافی و چاپ: طیف‌نگار
- نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵؛ تیراژ: ۵۰۰ جلد
- قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۳۵۲ - ۶۲ - ۸

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

استفاده از مندرجات این کتاب با ذکر مأخذ بلامانع است.

نشانی: خیابان شهید رجایی، خیابان پارس، میدان پارس،

مجتمع تجاری پارس، زیر همکف، شماره ۲۹.

تلفن: ۴۴۷۵۱۰۶۸ - ۴۴۷۵۱۰۸۱ - ۴۴۷۵۱۰۱۵ - ۵۵۰۴۳۰۱۵

www.bargnegar.com
info@bargnegar.com

فهرست

۷	مقدمه
۸	خاستگاه مغولان
۸	اصل و نسب چنگیزخان
۹	حملة سپاهیان مغول به سرزمین ایران
۱۰	بازگشت چنگیزخان به مغولستان و مرگ او
۱۰	عاقبت کار سلطان جلال‌الدین و انقراض خوارزمشاهیان
۱۱	فرمانروایی ایلخانان مغول در ایران
۱۲	فهرست اسامی ایلخانان مغول ایران
۱۲	خان‌های بزرگ مغول
۱۳	ایلخانان مغول ایران
۱۴	سپاسگزاری از دوستان و همراهان گرامی
۱۵	چنگزخان (چنگیزخان)
۱۹	اوگتای قاآن
۲۱	توراکینا خاتون
۲۳	منگو قاآن
۲۷	مونگکا قاآن - هولاکوخان
۳۳	آباقا
۴۹	احمد (تکودار)
۵۵	ارغون
۸۹	گیخاتو (ارینجین تورجی)
۹۹	بایدو

۱۰۷.	غازان محمود
۱۵۷.	محمد خدا بنده (اولجایتو)
۲۲۷.	ابوسعید
۴۶۷.	آرپا خان
۴۷۵.	موسی خان
۴۸۱.	محمد خان
۵۲۱.	ساتی بیک خان
۵۳۱.	جهان تیمور خان
۵۳۵.	طغاتی مور خان
۵۷۹.	سلیمان خان
۶۰۵.	انوشروان
۶۲۵.	غازان خان (غازان دوم)
۶۲۸.	منابع

مقدمه

این کتاب برای معرفی سکه‌هایی که توسط فرمانروایان مغول از اوایل قرن هفتم تا اواسط قرن هشتم هجری قمری در سرزمین گسترده ایران ضرب شده به نگارش درآمده است. نخستین سکه مغولان در ایران به نام چنگیزخان، ضرب غزنین در سال ۶۱۸ هجری قمری، و آخرین سکه این سلسله مربوط به غازانخان (غازان دوم) است که در شهر قم و احتمالاً به سال ۷۵۸ هجری قمری ضرب شده است. اگرچه سکه‌های ضرب شده توسط ایلخانان مغول از جنس طلا، نقره و مس بوده است، اما برای کاهش حجم کتاب از معرفی سکه‌های مسی در این مجموعه خودداری می‌شود. تعداد سکه‌های مسی ضرب شده در دوره ایلخانان مغول، به خصوص در اواخر فرمانروایی آنان، بسیار زیاد و خود نیازمند نگارش کتابی مستقل است.

سکه‌های ایلخانان مغول از لحاظ تنوع طرح‌ها و زیبایی خطوط و نقوش جزو بهترین سکه‌های فرمانروایان بعد از اسلام در ایران محسوب می‌شوند. ایلخانان مغول بر سرزمینهای بسیار گسترده‌ای، از شرقی‌ترین مناطق خراسان بزرگ تا غربی‌ترین مناطق آسیای صغیر، فرمانروایی می‌کرده و در بیش از دویست و پنجاه شهر بزرگ و کوچک سکه‌هایی ضرب نموده‌اند. از این رو، معرفی سکه‌های ضرب شده در تمامی این شهرها تقریباً از عهده هیچ محققى بر نمی‌آید. همچنین، در شهرهای کوچک و مناطق دوردست امپراطوری مغولان به دلایل مختلف، از جمله عدم آشنایی سرسکه‌سازان با الفبای فارسی/عربی و نیز نداشتن مهارت کافی برای تهیه سرسکه مناسب، تعدادی از اسامی شهرهایی که در آنها سکه ضرب شده است اصلاً قابل شناسایی نیستند. بنا بر این، سکه‌های معرفی شده در این مجموعه تنها بخشی از کل سکه‌های ضرب شده در طول دوران فرمانروایی ایلخانان مغول ایران در این مناطق را تشکیل می‌دهد و مشتمل بر نمونه‌هایی است که طی چهل سال گذشته در معرض تفحص نگارنده قرار گرفته است.

بعضی از سکه‌های مغولان دارای نوشته‌هایی به خط ایغوری است. برای خواندن این نوشته‌ها از کتاب ارزشمند سکه‌های مغولان ایران، که توسط روان‌شاد عمر دیلر محقق دانشمند کشور ترکیه نوشته شده، استفاده نموده‌ام.^۱ در ادامه، اطلاعات مختصری در مورد خاستگاه مغولان

1. Diler, Omer, *Ilkhans: Coinage of the Persian Mongols*, Istanbul: Turkuaz KitapcilikYayincilik Limited Sirketi, 2006.

و معرفی فرانوایانشان در اختیار خوانندگان محترم قرار داده می‌شود. این اطلاعات عموماً از تاریخ ایران^۱ و تاریخ مغول^۲ استخراج شده است.

خاستگاه مغولان

خاستگاه اصلی مغولان مناطق شمالی و شرقی آسیای مرکزی بوده که از مشرق و جنوب در همسایگی چین و از مغرب در مجاورت مناطق تحت امر ایران در زمان خوارزمشاهیان قرار داشته است. این مردمان پربافت در استپ‌های سردسیر آسیای مرکزی، با تحمل شرایط بسیار دشوار طبیعی و معیشتی، از طریق دامداری و صحرانوردی، زندگی می‌کرده‌اند. در آن زمان، به جز عده معدودی از آریایی‌های کاشغر و ختن و ایرانیان ماوراءالنهر و خوارزم، تمام مناطق بین دریای مازندران تا دیوار چین محل سکونت طوایف مختلف و متعدد ترک و مغول بوده است که گهگاه به حملات غارتگرانه به سرحدات ایران و چین نیز دست می‌زدند. از آنجا که دو کشور متمدن آن زمان، یعنی ایران و چین، برای برقراری روابط بازرگانی خود ناچار بوده‌اند از قسمت‌های جنوبی و غربی این سرزمین عبور نمایند، برای حفظ جاده ابریشم و ادامه روابط بازرگانی که برای آنان اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است، خواه و ناخواه با مردمان آن مناطق، یعنی ترکان و مغولان، در تماس بودند. راه‌های بازرگانی، گاهی با تهدید و زمانی با پرداخت هدایا به سران قبایل، مفتوح نگاه داشته می‌شدند.

اصل و نسب چنگیزخان

مغولان از قبایل مختلف و متعددی تشکیل می‌شدند. چنگیزخان، سرسلسله ایلخانان مغول ایران (تولد در حدود سال ۵۴۹ هجری قمری)، فرزند یسوکای بهادر، رئیس قبیله قیات، بوده است. او در سیزده سالگی پدرش را از دست داد و به عنوان رئیس قبیله به جای پدر نشست. چنگیزخان طی جنگ‌های متعدد توانست بر کلیه قبایل مغول پیروز گردد و همه آنان را فرمانبردار خود نماید. قدرت نظامی چنگیز، پس از پیروزی بر تمام قبایل مغول و متحد کردن آنان، چنان بالا گرفت که در سال ۶۱۲ هجری قمری شهر پکن پایتخت چین شمالی را به تصرف خود درآورد. طبق گفته تاریخ‌نویسان، چنگیزخان که در این سال‌ها همه مناطق غربی مغولستان را نیز تصرف نموده و تقریباً با سرزمین‌های تابع خوارزمشاهیان همسایه شده بود، بسیار علاقمند بود با دولت بزرگ و نیرومند خوارزمشاهیان ایران، روابط بازرگانی برقرار نماید. بنا بر این، در سال ۶۱۵ هجری قمری، با اعزام نماینده‌ای به دربار سلطان محمد خوارزمشاه، توافقنامه‌ای مبنی

۱. بیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی، تاریخ ایران: از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران: انتشارات خیام، ۱۳۷۶.

۲. اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول: از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.

بر حمایت از روابط بازرگانی و اعزام بازرگانان طرفین به کشورهای یکدیگر بین چنگیزخان و سلطان محمد منعقد گردید. متعاقب این توافقنامه، حدود پانصد نفر از بازرگانان مغول با مقادیر معتناهی کالای بسیار مرغوب و گران بها به شهر اترار، که اولین شهر بزرگ همجوار مغولان بود، وارد شدند. در آن زمان فرمانروای اترار شخصی به نام غایرخان، از خویشاوندان ترکان خاتون مادر خوارزمشاه بود. این حاکم، علی رغم توافقنامه منعقد بین دو کشور، به عوض حمایت از بازرگانان مغول و تقویت روابط سالم و دوستانه بین ایران و مغولستان، به طمع تصاحب اموال آنان کلیه بازرگانان مغول را به استثنای یک نفر، که موفق به فرار شد، به قتل رسانید. هنگامی که این خبر به چنگیزخان رسید، سفیری نزد خوارزمشاه فرستاد و از او خواست که غایرخان را به او تسلیم نماید. خوارزمشاه نه تنها از تسلیم غایرخان خودداری نمود، بلکه سفیر چنگیز را نیز به قتل رسانید و با انجام این عمل شنیع خشم چنگیزخان و قوم متعصب مغول را برانگیخت. در نتیجه آن، سپاهیان چنگیزخان به قصد انتقام خون بازرگانان بی گناه مغول، همچون سیلی ویرانگر، به سوی ایران سرازیر شدند.

حمله سپاهیان مغول به سرزمین ایران

در پاییز سال ۶۱۶ هجری قمری، چنگیزخان به همراه پسرانش جوجی (توشی)، جغتای، اوگدای (اوگتای) و تولی (تولوی) با سپاهی، که تعداد افراد آن را تا ۶۰۰ هزار نفر نوشته اند، به خاک ایران تجاوز کردند. لشکریان مغول در ماه رجب حصار مستحکم شهر اترار را که از طرف مشرق نزدیک ترین شهر به مغولستان بود به محاصره درآوردند. پس از مدتی، علی رغم مقاومت دلیرانه مردم و فرمانروای شهر اترار، سپاهیان مغول آن شهر را به تصرف خود درآورده، ابتدا غایرخان و سپس تمام مردم آن شهر را به قتل رسانیدند. در سال ۶۱۷ هجری قمری سپاهیان مغول تمام شهرهای آباد و پررونق ماوراءالنهر مانند بخارا و سمرقند را نیز با خاک یکسان کردند و در تعقیب سلطان محمد، که به داخل ایران گریخته بود، از جیحون گذشتند و شهرهای مسیر راه را ویران و همه مردم را از بزرگ و کوچک قتل عام نمودند.

سلطان محمد چون شنید که مغولان در تعقیب او هستند، راهی مازندران شد و سپاهیان مغول به دنبال او به مازندران رفتند. سلطان محمد برای فرار از دست مغولان سوار بر کشتی شد، تا به جزیره آبسکون در دریای مازندران پناه ببرد. در همین هنگام مغولان به ساحل دریا رسیده، کشتی او را تیرباران کردند، ولی سلطان محمد موفق به فرار شد. مغولان چون فاقد کشتی بودند نتوانستند او را تعقیب کنند. سلطان محمد مدت کوتاهی پس از رسیدن به جزیره آبسکون به سختی بیمار شد، و چون شنید که مغولان بر خانواده او دست یافته، فرزندان کوچک او را به قتل رسانیده و زنان او را به اسارت برده اند، در اثر بیماری و اندوه از دست دادن آن همه

عظمت و قدرت، در ماه شوال ۶۱۷ هجری قمری در جزیرهٔ آبسکون جان سپرد. چنگیز در سال‌های ۶۱۸ و ۶۱۹ هجری قمری ابتدا خوارزم و سپس تمام شهرهای خراسان مانند مرو، نیشابور، غزنین و هرات را نیز به تصرف درآورد و مردم را قتل‌عام کرده بود. گفته می‌شود که فقط در نیشابور نزدیک به یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار نفر از مردم به قتل رسیدند، که اغراق‌آمیز ولی در عین حال نشان‌دهندهٔ وسعت قتل‌عام است. در سال ۶۱۹ هجری قمری، که چنگیز در تعقیب جلال‌الدین پسر ارشد سلطان محمد خوارزمشاه به سرحد رود سند رفته بود، پس از عبور شجاعانه جلال‌الدین از رود سند و ورود او به هندوستان و نیز به دلیل شنیدن خبر شورش مردم چین شمالی و تبت بر علیه فرمانروایان مغول در آن نواحی، تصمیم گرفت به مغولستان بازگردد.

بازگشت چنگیزخان به مغولستان و مرگ او

در سال ۶۱۹ هجری قمری، چنگیز از پیشاور به کابل و از آنجا به حوالی رود جیحون رفته، پس از گذراندن تابستان، در پاییز همان سال از رود جیحون گذشته، به سمرقند وارد شد. چنگیز، که به سبب بدی آب و هوای نواحی هندوستان به سختی بیمار شده بود و مرگ خود را نزدیک می‌دید، در سال ۶۲۰ هجری قمری، دستور تشکیل شورای بزرگی (قوریلتا) از فرزندان و سردارانش را صادر کرد، که در این شورا تصمیمات بسیار مهمی اتخاذ شد، و در ضمن آن تمام متصرفات چنگیزی بین پسران او تقسیم گردید. مدت کوتاهی پس از تشکیل این شورا، یعنی در سال ۶۲۱ هجری قمری، چنگیز به اردوگاه اصلی خود در مغولستان مراجعت نمود.

چنگیز، پس از استقرار در مغولستان و فراهم نمودن مقدمات جنگ، به ولایت تنگوت در شمال تبت که پادشاه آنجا سر به عصیان برداشته بود حمله‌ور گردید و در جنگ سهمگینی، با درهم شکستن سپاهیان و قتل‌عام مردم آن سرزمین، آرامش را در آن مناطق برقرار نمود. پس از این نبرد، بیماری چنگیز شدت یافت و در ماه رمضان سال ۶۲۴ هجری قمری در سن ۷۲ سالگی به دیار باقی شتافت. ظاهراً، شش ماه قبل از مرگ چنگیز، پسر بزرگ او جوجی نیز در دشت قبیچاق جان سپرده بود. بعضی از مورخان نوشته‌اند که جوجی، چون از قتل‌عام مردم و ویرانی شهرها به دست چنگیز ناخوشنود بود و حتی به سبب انجام این اعمال غیرانسانی او را دیوانه خوانده بود، به دستور چنگیز مسموم شد.

عاقبت کار سلطان جلال‌الدین و انقراض خوارزمشاهیان

پس از مرگ چنگیز، جلال‌الدین پسر ارشد سلطان محمد خوارزمشاه که مدتی در هندوستان متواری بود به ایران بازگشت و با جمع‌آوری سپاه به تمشیت امور پرداخت. اما چون از یک طرف سپاهیان مغول پیوسته درصدد قتل او بودند و از طرف دیگر شیرازهٔ کارها به کلی

از هم گسیخته بود، دائماً با سپاهیان مغول، ملوک ایران غربی، خلیفه بغداد و ملکه گرجستان در حال نبرد بود، که به دلیل رشادت و جنگاوری خارق العاده اش غالباً بر دشمنان پیروز می گردید. اما از آنجا که ذاتاً عیاش و بی بهره از سیاست و تدبیر و در عین حال بسیار بی رحم و حق ناشناس بود، نه تنها مردم از اعمال و رفتار او رضایتی نداشتند، بلکه حاکمیت مغولان را بر اطاعت از او ترجیح می دادند. در نتیجه، جلال الدین از حمایت مردم بی نصیب ماند و در سال ۶۲۷ هجری قمری، در نبرد با علاء الدین کیقباد از سلاجقه روم، در نزدیکی ارزنجان شکست خورد و به آذربایجان گریخت، و در آنجا به خوشگذرانی پرداخت. در این موقع لشکریان مغول از غفلت و ناآگاهی او استفاده کردند و به او حمله ور شدند، ولی جلال الدین این بار نیز از دست سپاهیان چنگیزی گریخت و به ارومیه رفت تا از ملوک آنجا یاری طلبد. اما در آنجا کسی او را یاری نکرد و او ناچار شد به میافارقین بگریزد. جلال الدین عاقبت در نیمه شوال سال ۶۲۸ هجری قمری به دست جمعی از کردان آن منطقه به قتل رسید.

با قتل سلطان جلال الدین، سلسله خوارزمشاهیان منقرض گردید، و سپاهیان مغول که دیگر هیچ معارضی در برابر خود نداشتند، تمامی مناطق آذربایجان، گیلان، ارمنستان و گرجستان را نیز به تصرف خود درآوردند، و از این تاریخ تا سال ۶۵۴ هجری قمری که هولاکوخان، نوه چنگیزخان (فرزند تولوی)، در ایران مستقر گردید، حاکمان مغول در ایران با فرمان خان بزرگ مستقیماً از مغولستان به ایران اعزام می گردیدند. این حاکمان با کمک و همکاری دبیران ایرانی به جمع آوری مالیات و اداره امور کشور بزرگ ایران می پرداختند.

فرمانروایی ایلخانان مغول در ایران

اگرچه تا سال ۶۵۱ هجری قمری سپاهیان مغول، غیر از مناطق تحت تسلط فدائیان اسماعیلی، تقریباً تمام خاک ایران را به تصرف خود درآورده بودند، اما خلیفه عباسی همچنان در بغداد بر سر کار بود. در این سال، هولاکوخان به دستور برادرش منگوقاآن، خان بزرگ مغول، برای از میان برداشتن خلیفه، به بغداد اعزام گردید. در اواخر سال ۶۵۱ هجری قمری، هولاکوخان با ۱۲۰ هزار نفر از سپاهیان زبده مغول، به همراه جمعی از شاهزادگان و امرا و تعدادی منجنیق و عراده جنگی، به طرف ایران حرکت کرد و در سال ۶۵۵ هجری قمری برای برکناری خلیفه عباسی به سوی بغداد لشکر کشید. چون می خواست بدون جنگ و از دست دادن سربازانش به مقصود خود نایل شود، تصمیم گرفت با اعزام نمایندگان از طرف خود خلیفه را وادار به تسلیم نماید. اما خلیفه زیر بار تسلیم نرفت. هولاکو نیز، پس از محاصره طولانی مدت و حملات مکرر، بغداد را متصرف شد و ضمن کشتار چندصد هزار نفر از مردم آن شهر، در اواخر ماه صفر سال ۶۵۶ هجری قمری، با قتل المستعصم بالله، آخرین خلیفه عباسی، حکومت ۵۲۵ ساله بنی عباس را از میان برداشت.

هولاکوخان، در سال ۶۶۳ هجری قمری، در حالی که تمام ایران و عراق را در تصرف خود داشت، به سن ۴۸ سالگی در آذربایجان درگذشت. پس از مرگ هولاکو، پسرش اباقا و بعد از او افراد دیگری از این خاندان به سلطنت رسیدند و حکومت آنان در ایران تا سال ۷۵۸ هجری قمری ادامه یافت. فرمانروایان مغول در ایران از هولاکو به بعد به نام ایلخانان مغول ایران معروف شدند.

فهرست اسامی ایلخانان مغول ایران

در ادامه فهرستی از ایلخانان مغول ایران جهت اطلاع خوانندگان عرضه می‌گردد. لازم به ذکر است که پس از مرگ ابوسعید، آخرین ایلخان قدرتمند مغول در ایران، چون از او اولاد ذکوری باقی نمانده بود، هریک از سرداران و حاکمان محلی قدرتمند برای حفظ منافع خود یکی از نوادگان ایلخانان قبلی را در یک گوشه از ایران به پادشاهی برگزیدند و به نام او اقدام به ضرب سکه نمودند. به ویژه، از ۷۳۶ تا ۷۵۸ هجری قمری، که سال اضمحلال مغولان در ایران است، این عمل امری کاملاً عادی بوده است. به عنوان مثال، در سال ۷۴۶ هجری قمری، طغاتی‌مور، سلیمان و انوشیروان همزمان در بسیاری از شهرها به نام خود سکه‌هایی ضرب کرده‌اند، که تعدادی از آنها در همین مجموعه معرفی شده است.

همچنین، در سال‌های پایانی سلطنت ابوسعید، نحوه تاریخگذاری بر سکه‌ها از هجری قمری به ایلخانی (الخانیه) تبدیل شده بود. این تغییر در تاریخگذاری برای اکثریت قریب به اتفاق مجموعه‌داران و علاقمندان به مطالعه و تحقیق در مورد سکه‌های این سلسله کاملاً مبهم و نامفهوم بوده است. از آنجا که تاکنون از طرف سکه‌شناسان و صاحب‌نظران در این مورد توضیحات کافی و قابل قبولی داده نشده است، نگارنده لازم دانسته است، با استناد به منابع موثق تاریخی، مبدأ و مأخذ تاریخ ایلخانی و رابطه آن با تاریخ هجری قمری را در مبحث مربوط به معرفی سکه‌های ابوسعید در این مجموعه به طور مشروح به نظر خوانندگان محترم برساند.

خان‌های بزرگ مغول^۱

۱. چنگیزخان پسر یسوکای بهادر تا ۶۲۴ هجری قمری
۲. اوگتای قاآن پسر چنگیز ۶۳۹-۶۲۶ هجری قمری

۱. خان‌های بزرگ مغول را، که عموماً از بین فرزندان و نوادگان چنگیزخان انتخاب می‌شدند، خاقان یا قاآن می‌نامیدند. این خان‌ها همگی در چین اقامت داشتند و حاکمان کشورهای فتح شده توسط مغولان، و از جمله ایران، با فرمان خان بزرگ به حکومت منصوب می‌شدند. این حاکمان در حقیقت نایب خان بزرگ محسوب می‌گردیدند. البته حاکمان مغول مستقر در ایران، پس از چندی، ارتباط خود را با خان بزرگ قطع و کاملاً مستقل شدند و در تاریخ به نام ایلخانان مغول ایران معروف گردیدند. اگرچه مرکز حکومت ایلخانان مغول ایران غالباً در تبریز بوده است، اما علاوه بر سرزمین امروزی ایران مناطق بسیار گسترده‌ای از کشورهای همجوار ایران مانند عراق، ترکیه، گرجستان، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و سوریه را نیز در اختیار داشته و در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک آنها سکه ضرب نموده‌اند.

۳. گیوک پسر اوگتای^۱ ۶۴۷-۶۳۹ هجری قمری
۴. مُنگو (منگکا) پسر تولوی ۶۵۸-۶۴۷ هجری قمری
۵. قوبیلای پسر منگو ۶۹۳-۶۵۸ هجری قمری

ایلخانان مغول ایران^۲

۱. هولاکو پسر تولوی ۶۶۳-۶۵۴ هجری قمری
۲. اباقا پسر هولاکو ۶۸۰-۶۶۳ هجری قمری
۳. احمد تکودار پسر هولاکو (برادر اباقا) ۶۸۳-۶۸۱ هجری قمری
۴. ارغون پسر اباقا ۶۹۰-۶۸۳ هجری قمری
۵. گیخاتو (ارینجین تورجی) پسر اباقا (برادر ارغون) ۶۹۴-۶۹۰ هجری قمری
۶. بایدو پسر طرغای (نوه هولاکو) حدود شش ماه ۶۹۴ هجری قمری
۷. غازان محمود پسر ارغون ۷۰۳-۶۹۴ هجری قمری
۸. اولجایتو (محمد خدابنده) پسر ارغون (برادر غازان محمود) ۷۱۶-۷۰۳ هجری قمری
۹. ابوسعید پسر محمد خدابنده ۷۳۶-۷۱۶ هجری قمری
۱۰. آریاگاؤن (از نوادگان اریق بوکا برادر هولاکو) ۷۳۶ هجری قمری (حدود ۶ ماه)
۱۱. موسی خان پسر علی (نوه بایدو) ۷۳۶-۷۳۷ هجری قمری
۱۲. محمدخان از نوادگان منگوتیمور پسر هولاکو ۷۳۸-۷۳۶ هجری قمری
۱۳. طغاتیمورخان از نیره زادگان یکی از برادران چنگیزخان ۷۵۴-۷۳۷ هجری قمری
۱۴. ساتی بیگ خان دختر محمد خدابنده (خواهر ابوسعید) ۷۴۱-۷۳۹ هجری قمری
۱۵. جهان تیمورخان پسر آلافرنگ (نوه گیخاتو، دست‌نشانده شیخ حسن بزرگ جلایری) ۷۴۱-۷۴۰ هجری قمری
۱۶. سلیمان خان (نیره هولاکو، دست‌نشانده شیخ حسن کوچک چوپانی) ۷۴۶-۷۳۹ هجری قمری
۱۷. انوشیروان عادل (دست‌نشانده ملک اشرف چوپانی) ۷۵۷-۷۴۵ هجری قمری
۱۸. غازان خان (غازان دوم) ۷۵۸-۷۵۷ هجری قمری

۱. از ۶۳۹ تا ۶۴۴ هجری قمری، توراکیناخنون مادر گیوک به عنوان نایب‌السلطنه انجام امور سلطنت را بر عهده گرفته و از ۶۴۴ تا ۶۴۷ هجری قمری گیوک مستقلاً زمام امور را در دست داشته است؛ بنگرید به پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی، تاریخ ایران: از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران: انتشارات خیام، ۱۳۷۶.

۲. بر اساس Album, Stephen (2011), *Checklist of Islamic Coins*, Santa Rosa, CA: Stephen Album Rare Coins, 2011؛ پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی، تاریخ ایران: از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران: انتشارات خیام، ۱۳۷۶؛ اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول: از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.

سپاسگزاری از دوستان و همراهان گرامی

بدینوسیله از دوستان عزیزم آقایان جلال دیلمقانی، فرید مصنف، دکتر افشین براتی، امین امینی و سید محمدعلی موسوی که در نگارش این کتاب از کمک‌های ارزشمندشان برخوردار بوده‌ام و همچنین از دوست ارجمندم آقای کریستین راسموسن^۱ که اجازه دادند از تصاویر تعدادی از سکه‌هایشان در این مجموعه استفاده کنم از صمیم قلب سپاسگزاری می‌نمایم. ضمناً از خوانندگان ارجمند استدعا دارم پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را از طریق پست الکترونیکی bahramalaedini@yahoo.com و یا صندوق پستی ۱۴۱۵۵/۱۷۶۵ تهران به نگارنده اعلام فرمایند.

بهرام علاءالدینی

۱. آقای کریستین راسموسن (Christian Rasmussen) اهل کشور دانمارک، از مجموعه‌داران معروف سکه‌های ایلخانان مغول و از دوستان و علاقمندان به فرهنگ و هنر ایران زمین است.

چنگز خان (چنگیز خان)

شماره سکه: ۱ • وزن: ۵/۶۲ گرم (طلا) • قطر: میلی متر



روی سکه

متن:

لا اله الا الله
محمد رسول الله
الناصر لدين الله امير المؤمنين

حاشیه:

هو الذین [هو الذی] ارسله رسوله بالهدی و دین الحق
لیظهره علی الدین کلّه (ولو کره المشرکون)^۱



پشت سکه

متن:

الخاقان
المادل الاعظم
چنگز خان

حاشیه:

ضرب هذا الدینار ببلده غزنه
فی شهر سنه ثمان عشره و ستمائه [۶۱۸]

۱. سورة توبه، آیه ۳۳ از قرآن کریم ۹/۳۳.

ترجمه آیه: او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشتند. قرآن کریم با ترجمه بها. الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

شماره سکه: ۲ • وزن: ۳/۰۶ گرم • قطر: ۱۷/۶ میلی متر



پشت سکه

الناصر لدين الله
امير المؤمنين

متن:



روی سکه

العاظم الاعظم
چنگیز خان

متن:

شماره سکه: ۳ • وزن: ۳/۹۴ گرم • قطر: ۱۷ میلی متر



پشت سکه

الناصر لدين الله
امير المؤمنين

متن:



روی سکه

عبد خاقان الاعظم

متن:



اوگتای قاآن

۶۳۹ - ۶۲۴

شماره سکه: ۱ • وزن: ۲/۶۷ گرم • قطر: ۱۹/۶ میلی متر



روی سکه

متن:

لا اله الا الله
محمد رسول الله



پشت سکه

متن:

قاآن العادل
مرو

شماره سکه: ۲ • وزن: ۲/۷۸ گرم • قطر: ۱۷ میلی متر



پشت سکه

الملك لله
قاآن العادل
سکه مرو
(تصویر کمان)

متن:



روی سکه

لا اله الا الله
محمد رسول الله

متن:

توراکینا خاتون

۶۴۴ - ۶۳۹

شماره سکه: ۱ • وزن: ۲/۷۳ گرم • قطر: ۲۲/۴ میلی متر

روی سکه

متن:

لا اله الا الله
محمد رسول الله

حاشیه:

ضرب تفلیس سنه ثلث و اربعین (و ستمائه) [۶۴۳]



پشت سکه

متن:

قآن العادل



۱. این سکه به توراکینا خاتون نسبت داده می شود. توراکینا خاتون همسر اوگتای قآن و مادر گیوک بوده که پس از مرگ اوگتای از سال ۶۳۹ تا ۶۴۴ هجری به عنوان نایب السلطنه فرمانروائی کرده است. تاریخ ایران. حسن پیرنیا - عباس اقبال



منگو قآن

۶۴۷ - ۶۵۸

شماره سکه: ۱ • وزن: ۴/۴۶ گرم • قطر: ۲۳/۹ میلی متر

روی سکه

متن:

لا اله الا الله
محمد رسول الله
ابوبکر بن سعد



پشت سکه

متن:

منگو قآن پادشاه جهان



۱. ابوبکر بن سعد بن زنگی از اتابکان سلفری فارس (۶۵۸ - ۶۲۸) در زمان ضرب این سکه خراجگزار منگو قآن، خان بزرگ مغول بوده است.

شماره سکه: ۲ • وزن: ۲/۷۶ گرم • قطر: ۲۲/۸ میلی متر



پشت سکه

قآن العادل

متن:

(محاط در یک ستاره شش پر که از تقاطع دو مثلث به وجود آمده است.)

روی سکه

لا اله الا الله

متن:

محمد رسول الله

حاشیه:

ضرب تبریز فی رجب سنه خمسين و ستمائه [۶۵۰]

شماره سکه: ۳ • وزن: ۲/۷۳ گرم • قطر: ۲۳/۲ میلی متر



پشت سکه

متن: مونگکا قآن الاعظم العادل

حاشیه:

ضرب تفلیس



روی سکه

متن: لا اله الا الله
وحده لا شریک له

حاشیه:

فی صفر سنه ثلث خمسين و ستمائه [۶۵۳]

شماره سکه: ۴ • وزن: ۵ گرم • قطر: ۲۷ میلی‌متر



پشت سکه

منگو

متن:

قآن الاعظم
خداوند عالم
پادشاه روی زمین
زیدت عظمه

حاشیه اول:

(ضرب هذا الدينار المبارك بماردين) المحروسة
سنه سبعة و خمسين و ستمائه [۶۵۷]

حاشیه دوم:

(لله الامر من قبل و من بعد و يومئذ
يفرح المؤمنون بنصرالله^۲)

روی سکه

لولو

متن:

لا اله الا الله
وحده لا شريك له
محمد رسول الله
صلى الله عليه و آله وسلم
الملك الرحيم بدرالدنيا والدين^۱

۱. بدرالدین لولو، از اتابکان موصل که در زمان ضرب این سکه خراجگزار فرمانروایان مغول بوده است.

۲. سوره روم - آیات ۴ و ۵ از قرآن کریم (۳۰/۴ و ۵): «ترجمة آیه: (در ظرف چند سال)، امر، امر خداست، چه پیش از (پیروزی) و چه (پس از آن) و در آن روز مؤمنان شاد می‌گردند^۴ به یاری پروردگار^۵؛ قرآن کریم با ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

مونگا قآن - هولاکو خان

شماره سکه: ۱ • وزن: ۲/۷۵ گرم • قطر: ۲۴ میلی متر



روی سکه

متن:

لا اله الا الله
محمد رسول الله
صلى الله عليه وسلم

حاشیه:

سنه سبع خمسين ستمائه [۶۵۷]



پشت سکه

متن:

قآن الاعظم مونگا قآن
هولاکو خان

حاشیه:

(بسم الله ضرب هذا الدرهم ببغداد)
سنه سبع (خمسين ستمائه) [۶۵۷]

شماره سکه: ۲ • وزن: ۲/۶۵ گرم • قطر: ۲۶/۵ میلی متر



پشت سکه

قآن الاعظم

هولا کو

ایلخان المعظم

متن:

حاشیه:

ضرب هذا الدرهم بالجزیر العمر

فی سنه ثلاث و ستین و ستمائه [۶۶۳]

روی سکه

لا اله الا الله وحده لا شریک له
محمد رسول الله

متن:

حاشیه:

قل اللهم مالک الملك توتی الملك من تشا
و تنزع الملك ممن تشا و تعز من تشا
و تذلل من تشا بيدک الخير
انک علی کل شیء قدير

۱. متن کامل آیه ۲۶ از سورة آل عمران در قرآن کریم. (۳/۲۶)

متأسفانه این آیه به دلیل کمبود فضای نوشتاری بر روی سکه، به طور ناقص نوشته شده است.

ترجمه فارسی این آیه به شرح زیر به نظر خوانندگان محترم می‌رسد.

ترجمه آیه: بگو بار اله، ای دارنده فرمانروایی، به هر که می‌خواهی حکومت می‌دهی و از هر که می‌خواهی باز می‌ستانی، هر که را خواهی عزت می‌بخشی و هر که را خواهی خوار می‌گردانی (سر رشته) همه خیرات به دست توست و تو بر هر کاری توانایی، قرآن کریم با ترجمه بها. الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

شماره سكه: ۳ • وزن: ۲/۸۳ گرم • قطر: ۲۴/۲ میلی متر



پشت سكه

متن: قآن الاعظم مونگکا قان
هولاكوخان

حاشیه:

قل اللهم مالك الملك توتی الملك من تشا
و تنزع الملك ممن تشا و تعز من تشا
و تدل من تشا بيدك الخير
انك على كل شيء قدير

روی سكه

متن: الملك لله
لا اله الا الله
محمد رسول الله صلى الله عليه و سلم

حاشیه:

بسم الله ضرب هذا الدرهم ببغداد
سنة اربعه و ستين و ستمائه [۶۶۴]

شماره سكه: ۴ • وزن: ۲/۳۵ گرم • قطر: ۲۵/۵ میلی متر



پشت سكه

قآن الاعظم

هولاكو

ایلخان المعظم

الملك المظفر

متن:

حاشیه:

ضرب هذا الدرهم المبارك بماردين
المحروسه سنه اربعه و ستين و ستمائه [۶۶۴]

روی سكه

لا اله الا الله

وحده لا شريك له

محمد رسول الله

متن:

حاشیه:

قل اللهم مالك الملك توتی الملك من تشا
و تنزع الملك ممن تشا و تعز من تشا
و تذل من تشا بيدك الخير
انك على كل شیء قدير